

مدل یابی توافق زناشویی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه با میانجی‌گری سبک‌های ازدواج در زنان^۱

Modeling marital agreement based on primary maladaptive schemas with the mediation of marriage styles Women

Tahereh Kabiri Afshar

PhD student, Counseling Department, Qom Branch,
Islamic Azad University, Qom, Iran.

Majid Zargham Hajbi *

Associate Professor, Department of Psychology, Qom
Branch, Islamic Azad University, Qom, Iran.

zarghamhajebi@gmail.com

Sohrab Abdi Zarin

Associate Professor, Department of Educational
Sciences, University of Qom, Qom, Iran.

طاهره کبیری افشار

دانشجو دکتری، گروه مشاوره، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

مجید زرغام حاجبی
(نویسنده مسئول)

دانشیار، گروه روانشناسی، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

سهراب عبدی زرین

دانشیار، گروه علوم تربیتی، دانشگاه قم، قم، ایران.

Abstract

This research was conducted to model marital agreement based on the initial Maladaptive schemas with the mediation of marriage styles in women. The descriptive-correlational research method was structural equation modeling. The statistical population of the present study was made up of married women in the first quarter of 2022, in districts 2, 7, and 11 of Tehran, from which 300 people were selected as the sample of the study using targeted sampling. In this research, marital agreement instruments (RDAS (Busby et al., 1995), Yang's schema (YSQ-SF) (Young, 1994), and researcher-made questionnaires of marriage styles were used. To analyze the data, structural equation modeling was used. The findings of the research showed that the model is a good fit. The results showed that there is a negative and significant relationship between the domains of primary maladaptive schemas and marital agreement ($P<0.01$). Also, marriage styles can mediate the relationship between initially incompatible schemas and marital agreement ($P<0.01$). According to these findings, it can be concluded that since marriage is considered one of the most important decisions in life, it is possible to focus on the initial Maladaptive schemas and pre-marriage education on marital agreement and improve marriage styles. And the continuation of the relationship between the couple increased the quality of the couple's relationship.

Keywords: Marital Agreement, Marriage Styles,
Primary Maladaptive Schemas, Women.

چکیده

پژوهش حاضر با هدف مدل‌یابی توافق زناشویی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه با میانجی‌گری سبک‌های ازدواج در زنان انجام شد. روش پژوهش توصیفی-همبستگی از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را زنان متأهل در سه ماهه اول سال ۱۴۰۱ مناطق ۲، ۷ و ۱۱ شهر تهران تشکیل داد، که از میان آن‌ها به روش نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۳۰۰ نفر به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. در این پژوهش از ابزارهای توافق زناشویی (RDAS) (باسبی و همکاران، ۱۹۹۵)، طرحواره یانگ (YSQ-SF) (یانگ، ۱۹۹۴) و پرسشنامه محقق ساخته سبک‌های ازدواج استفاده شد. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از مدل‌یابی معادلات ساختاری استفاده گردید. یافته‌های پژوهش نشان داد که مدل از برازش مناسبی برخوردار است. نتایج نشان داد بین حوزه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه با توافق زناشویی رابطه منفی و معنادار وجود دارد ($P<0/01$). همچنین سبک‌های ازدواج می‌تواند رابطه بین، طرحواره‌های ناسازگار اولیه با توافق زناشویی را میانجی‌گری کند ($P<0/01$). با توجه به این یافته‌ها می‌توان نتیجه گرفت از آنجا که ازدواج یکی از تصمیمات مهم زندگی محسوب می‌شود می‌توان با تمرکز بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه و آموزش‌های پیش از ازدواج بر توافق زناشویی و بهبود سبک‌های ازدواج و تداوم روابط بین زوجین بر افزایش کیفیت رابطه زوجین افزود.

واژه‌های کلیدی: توافق زناشویی، سبک‌های ازدواج، طرحواره‌های
ناسازگار اولیه، زنان.

ویرایش نهایی: تیر ۱۴۰۳

پذیرش: دی ۱۴۰۲

دریافت: آذر ۱۴۰۲

نوع مقاله: پژوهشی

مقدمه

ازدواج یکی از تجربه‌های مهمی است که زندگی فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (گومس و سا^۱، ۲۰۲۱). زندگی زناشویی زن و مرد با ازدواج و تشکیل خانواده شروع می‌شود. ازدواج به عنوان مهم‌ترین و عالی‌ترین رسم اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی و امنیتی افراد بزرگسال و به منظور حفظ بقای نسل بشر همواره و از دیرباز مورد تأکید بوده است. شاید عمومی‌ترین اهداف زوج‌های جوان را بتوان همبستگی، آزادگی، عشق و محبت، تشکیل خانواده، ارضای میل جنسی، حفظ نسل و داشتن فرزند برشمرد (جیجیوهوی و رایوشان^۲، ۲۰۲۲). عوامل بسیاری در شکل‌گیری امنیت عاطفی در روابط زناشویی نقش دارند که از این میان می‌توان به توافق زناشویی^۳ اشاره کرد.

سازگاری و توافق زناشویی یکی از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر عملکرد خانواده است. توافق زناشویی وضعیتی است که در آن زن و شوهر در بیشتر مواقع احساس خوشبختی و رضایت دارند و از کنار هم بودن لذت می‌برند (ساگینو^۴ و همکاران، ۲۰۱۶). انسجام و رضایت و از جمله مؤلفه‌هایی است که در رابطه زناشویی مورد بررسی قرار می‌گیرند و توافق زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین توافق زناشویی توانایی زوجین در کسب رضایت، خشنودی و کامیابی در یک سری از وظایف در ارتباط با ازدواج آنها مطرح است (گوپال و والارمادی^۵، ۲۰۲۰). زوجینی که توافق زناشویی بیشتری دارند به واسطه روابط اجتماعی، عاطفی و جنسی رضایت‌بخشی که دارند، به تأمین سلامت جسمانی و عاطفی می‌توانند موجب ایجاد دامنه‌ای از مشکلات رفتاری و هیجانی شود (البابودی^۶، ۲۰۱۸). عوامل بسیاری می‌تواند در ایجاد و شکل‌گیری توافق زناشویی مؤثر باشد و آن را تحت تأثیر قرار دهد که می‌توان به طرحواره‌های ناسازگار اولیه^۷ اشاره کرد (شاکری و جاجرمی، ۱۳۹۹).

طرحواره‌های ناسازگار اولیه به دلیل ارضا نشدن نیازهای هیجانی اساسی دوران کودکی به وجود می‌آیند و مطابق با پنج نیاز تحولی به پنج حیطه وسیع تقسیم می‌شوند که عبارتند از: دل‌بستگی ایمن به دیگران^۸ (شامل نیاز به امنیت^۹، محبت و پذیرش^{۱۰})، خودگردانی- هویت^{۱۱}، کفایت^{۱۲}، آزادی در بیان نیازها^{۱۳} و هیجان‌های ناسالم^{۱۴}، خودانگیختگی^{۱۵} و تفریح^{۱۶}، محدودیت‌های واقع‌بینانه^{۱۷} و خویش‌داری^{۱۸} (یانگ^{۱۹}، ۱۹۹۹). برخی از طرحواره‌ها به ویژه آنها که عمدتاً در نتیجه تجارب ناگوار دوران کودکی شکل می‌گیرند ممکن است هسته‌ی اصلی اختلالات شخصیت و مشکلات منش شناختی ضعیف‌تر در بسیاری از اختلالات مزمن قرار بگیرد (یشوپ^{۲۰} و همکاران، ۲۰۲۲). البته باید توجه داشت که رفتار یک فرد، بخشی از طرحواره محسوب نمی‌شود، زیرا رفتارهای ناسازگار در پاسخ به طرحواره به وجود می‌آیند. بنابراین، رفتارها از طرحواره‌ها نشأت می‌گیرند، ولی بخشی از طرحواره محسوب نمی‌شوند (یانگ و مایادی آماراسینگ^{۲۱}، ۲۰۱۰). همچنین از آنجا که طرحواره‌ها موجب سوگیری در تفسیرهای فرد از رویدادها شده و این سوگیری‌ها خود را به صورت نگرش‌های تحریف شده، گمانه‌های نادرست، اهداف و چشم‌داشت‌های غیرواقع‌بینانه نشان می‌دهند، طرحواره‌های ناسازگار اولیه، الگوها یا درون‌مایه‌های عمیق و فراگیری هستند که به رابطه‌ی فرد با خود یا دیگران ارتباط دارند و به شدت ناکارآمد هستند (فاروردین^{۲۲} و همکاران، ۲۰۱۹). به عبارتی نتایج پژوهش‌های مختلف نشان داده است که بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با سازگاری و رضایت زناشویی رابطه

1 Gomes & Sá

2 Jejeebhoy & Raushan

3 Marital agreement

4 Saggino

5 Gopal & Valarmathi

6 Elbayouthi

7 Early maladaptive schemas

8 Secure attachment to others

9 Requires security

10 Love and acceptance

11 Self-government - identity

12 Sufficiency

13 Freedom to express needs

14 Unhealthy emotions

15 Spontaneity

16 Recreation

17 Realistic constraints

18 Self-control

19 Young

20 Bishop

21 Myanthy Amarasinghe

22 Farvardin

وجود دارد (شاکری و جاجرمی، ۱۳۹۹؛ طاهری‌فر و کارآموز، ۱۳۹۸؛ گومس و سا، ۲۰۲۱؛ اکول^۱، ۲۰۱۷؛ اکن^۲، ۲۰۱۷). از سویی دیگر زنان دارای طرحواره‌های ناسازگار اولیه حمایت‌های عاطفی و حفاظتی کافی را از سوی همسران خود دریافت نکرده، دارای احساس رها شدن از سوی همسر هستند. گاهی نیز خود را کمتر یا بزرگتر از همسر خود می‌پندارند و این موجب دوری زوجین و کاهش رضایت زناشویی آنان می‌شود (باچ، لوکوود و یانگ^۳، ۲۰۱۸). با توجه اینکه در پژوهش‌های مختلف نتایج نشان داده است که طرحواره‌های ناسازگار اولیه در بروز مشکلات زناشویی نقش دارند (جانوسکی^۴ و همکاران، ۲۰۲۲) از جمله عواملی که می‌تواند این رابطه را تحت تأثیر قرار دهد و در این پژوهش نیز به آن پرداخته شده است سبک‌های ازدواج^۵ است.

سبک‌های ازدواج در این پژوهش با عنوان سبک مدرن و سنتی با توجه به بافت فرهنگی جامعه ایرانی مورد بررسی قرار گرفته است. واضح است که برای تأمین سلامت خانواده و رضایت از زندگی زناشویی، نحوه‌ی انتخاب همسر امری بسیار مهم است و پرداختن به این موضوع به صورت روزافزون، نشان‌دهنده‌ی اهمیت این مطلب می‌باشد (علمدار، ۱۳۸۹). بسیاری از مشکلات خانوادگی ریشه در نوع انتخاب همسر دارد؛ در واقع موفقیت در انتخاب همسر اولین مرحله در چرخه‌ی زندگی خانوادگی است که موفقیت در مراحل بعدی زندگی زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد (سیار و همکاران، ۱۳۹۱). به عبارتی در جامعه، برخی از افراد به صورت کاملاً فردی دست به انتخاب می‌زنند در حالی که برخی دیگر با کمک و راهنمایی خانواده فردی را به عنوان همسر بر می‌گزینند. در این بین دوستی‌ها و تعاملات پیش از ازدواج معنا پیدا می‌کند (جواهری‌محمدی و همکاران، ۱۳۹۴). ازدواج بر مبنای عشق از لحاظ تاریخی بسیار نوظهور است به گونه‌ای که ازدواج‌ها در گذشته یک اتحاد رسمی و خشک برای رسیدن به یک نتیجه‌ی منطقی و از قبل حساب شده بود در حالی که امروزه دختر و پسر از ازدواج هدفی گران‌قدرتر و والاتر دارند، آنها می‌خواهند همبستگی روحی قوی با همسر خود پیدا کنند و در زندگی تماسی مداوم و لذت‌بخش با روح و جسم همسر خود داشته باشند (علمدار، ۱۳۸۹). سطوح تعاملات قبل از ازدواج قویاً رضایت زناشویی را بعد از ازدواج تحت تأثیر قرار می‌دهد. زوج‌هایی که دارای الگوهای تعاملی مناسب قبل از ازدواج نیستند، بعد از ازدواج رضایت زناشویی کمتری را تجربه می‌کنند (گاندوگموس^۶ و همکاران، ۲۰۲۳). بسیاری از پژوهش‌ها فاکتورهای انتخاب همسر را تا حد زیادی در ایجاد این ناپایداری مؤثر می‌دانند (فیلیپس و اسوینی^۷، ۲۰۰۵). در دهه‌های اخیر ازدواج به‌صورت سنتی انجام می‌گرفت بدین صورت که خانواده پسر با انتخاب دختری که او را مناسب خانواده و پسر خود می‌دانستند پس از خواستگاری، او را به عقد و ازدواج فرزند خود در می‌آوردند. در این نوع ازدواج دختر و پسر شناختی از هم نداشته و از خصوصیات، رفتارها و ویژگی‌های درونی و شخصی فرد مورد نظر بی‌خبر بودند، با گذشت زمان و ورود فرهنگ کشورهای اروپایی، گونه دیگری از ازدواج که از آن به عنوان ازدواج غیر سنتی مدرن یاد می‌شود، رواج یافت. در این نوع ازدواج دختر و پسر پس از آشنایی با یکدیگر یا دوستی و برقراری رابطه‌ی عاطفی پس از مدتی در صورت تفاهم و رضایت طرفین اقدام به ازدواج می‌کنند (سیار و همکاران، ۱۳۹۱).

با توجه به اینکه بسیاری از مسایل و مشکلاتی که برای زوج‌های جوان پیش می‌آید ناشی از دوگانگی ازدواج‌ها در ایران است که بخشی از آن سنتی و بخشی مدرن است. بسیاری از جوانان متقاضی ازدواج‌های غیرسنتی هستند. زیرا خود همسر را انتخاب می‌کنند ولی تنوع فرهنگی، ضعف شناخت از یکدیگر و صرفاً شناخت‌های ظاهری و تکیه کردن به برخی معیارهای کمی باعث شده است که ازدواج‌های غیرسنتی در جامعه ما آسیب‌پذیر باشند (ضرغام حاجبی و همکاران، ۱۳۹۶). از سویی دیگر نیز وجود مشکلات روانشناختی در زوجین مانند طرحواره‌های ناسازگار اولیه می‌تواند سازگاری و توافق میان زوجین را تحت تأثیر قرار دهد (کوروک و اوزاباسی^۸، ۲۰۲۳). از این‌رو بررسی ویژگی‌های روانشناختی در زوجین اهمیت دارد. آنچه به صورت بارز می‌توان به آن اشاره کرد و در پژوهش‌های مختلف نیز به صورت مستقیم به آن اشاره نشده است بررسی رابطه میان توافق زناشویی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با میانجیگری سبک‌های ازدواج است که در این پژوهش با در نظر گرفتن اینکه جامعه ایرانی در حال گذار از جامعه سنتی به سمت جامعه‌ای مدرن است و می‌توان انتظار داشت که شیوه گزینش همسر نیز تحت تأثیر این گذار و تغییرات قرار گیرد؛ و با توجه به اینکه پژوهش قابل توجهی درباره رابطه طرحواره زنان

1 Akkol

2 Eken

3 Bach

4 Janovsky

5 Marriage styles

6 Gündoğmuş

7 Phillips & Sweeney

8 Körtik & Özabacı

با توافق زناشویی انجام نشده از این‌رو هدف پژوهش حاضر مدل یابی توافق زناشویی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه با میانجی‌گری سبک‌های ازدواج در زنان بود.

روش

روش پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوه مدل‌یابی معادلات ساختاری بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل زنان متأهل در سه ماهه اول سال ۱۴۰۱ مناطق ۲ و ۷ و ۱۱ شهر تهران بود، همچنین مناطق بالای شهر، مرکز شهر و پایین شهر با توجه به ۳ فرهنگ متفاوت مورد بررسی قرار گرفتند. در این پژوهش با توجه به نامحدود بودن جامعه آماری و عدم دسترسی به فهرست تمام اعضای جامعه به پیشنهاد گاروز و منتزر^۱ (۱۹۹۹)، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند تعداد ۳۰۰ زن در نهایت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد که با بررسی و جمع‌بندی پرسشنامه‌های تکمیل شده توسط شرکت‌کننده‌ها، اطلاعات کسب شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. ملاک‌های ورود شامل رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش، تأهل و ازدواج قانونی شرکت‌کنندگان، عدم سابقه طلاق یا ازدواج مجدد، عدم سابقه ابتلا به اختلالات روان‌پزشکی و بیماری جسمی حاد و عدم اعتیاد (طبق فرم خوداظهاری شرکت‌کنندگان) بود. همچنین ملاک‌های خروج از پژوهش شامل عدم پاسخگویی به سؤالات پرسشنامه در زمان تعیین شده و ارسال دیر پاسخنامه توسط شرکت‌کنندگان بود. روش اجرای از پژوهش پژوهش بدین صورت بود که پرسشنامه‌های پژوهش به صورت منظم و با ترتیب معین در محیط گوگل فرم تعریف شدند و از طریق فضای مجازی در اختیار شرکت‌کنندگان قرار داده شد. ضمن تشریح چگونگی انجام پژوهش قبل از پاسخدهی به سؤالات پرسشنامه، به شرکت‌کنندگان این اطمینان داده شد که اطلاعات دریافت شده به صورت کاملاً محرمانه و بدون دریافت اطلاعات شناسنامه‌ای بود. همین‌طور همراه با سؤالات فرم رضایت‌نامه نیز در فضای گوگل فرم گنجانده شده بود تا شرکت‌کننده با رضایت کامل در فرآیند پژوهش شرکت کنند. در نهایت پس از دریافت پاسخنامه‌های پژوهش، داده‌های پژوهش حاضر با روش آماری مدل‌یابی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ و AMOS نسخه ۲۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

ابزار سنجش

مقیاس توافق زناشویی^۲ (RDAS): این مقیاس توسط باسبی^۳ و همکاران (۱۹۹۵)، طراحی و دارای ۱۴ گویه و سه مؤلفه توافق (گویه‌های ۱ تا ۶)، رضایت (گویه‌های ۷ تا ۱۱) و انسجام (گویه‌های ۱۲ تا ۱۴) است. نمرات بالا نشان‌دهنده توافق زناشویی بالاتر است. نمره‌گذاری این پرسشنامه به صورت طیف لیکرت ۶ درجه‌ای (همیشه اختلاف داریم = ۰ تا توافق دائم داریم = ۵) است. در پژوهش باسبی و همکاران (۱۹۹۵)، با استفاده از تحلیل تمایزات، نقطه برش برای این ابزار ۲/۸۴ محاسبه شد به این معنا که اگر فردی نمره کیفیت زناشویی او بالاتر از ۲/۸۴ بشود، دارای کیفیت زناشویی خوب است و اگر زیر این نمره دریافت کند، دارای کیفیت زناشویی ضعیف می‌باشد. همچنین حساسیت پرسشنامه ۷۴/۱۲ درصد و ویژگی آن ۷۸/۴۷ درصد برآورد شد. نمره بین ۰ تا ۲۴ کیفیت زناشویی پایین، نمره بین ۲۴ تا ۳۵ کیفیت زناشویی متوسط و نمره بالاتر از ۳۵ کیفیت زناشویی بالا را نشان می‌دهد. پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ در مطالعه هولیست^۴ و همکاران (۲۰۰۵) برای سه خرده مقیاس توافق، رضایت، انسجام به ترتیب از ۰/۷۹، ۰/۸۰ و ۰/۹۰ و ضرایب روایی همگرا این پرسشنامه با پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن^۵ (GEDS) ۶۴/۰ به دست آمده است. گزارش شده است. در پژوهش یوسفی (۱۳۹۰)، ضرایب آلفای کرونباخ و تنصیف پرسشنامه توافق زناشویی در کل نمونه برای ۱۴ ماده و عامل‌های چهارگانه استخراج شده، بالاتر از ۰/۷۰ گزارش شده است که حاکی از همگونی و همسانی ماده‌های پرسشنامه هستند، همچنین ضرایب روایی همگرا این پرسشنامه با پرسشنامه رضایت‌مندی زناشویی، پرسشنامه ارزیابی همبستگی زوجین، مقیاس سازگاری توافق دو نفری به ترتیب (۰/۳۹، ۰/۳۶ و ۰/۳۳) به دست آمده است. در پژوهش حاضر نیز مقادیر به دست آمده برای آلفای کرونباخ و پایایی مرکب برای متغیر توافق زناشویی به ترتیب برابر با ۰/۸۰ و ۰/۹۱ گزارش شده است.

1 Garver & Mentzer

2 Marital agreement questionnaire

3 Busby

4 Hollist

5 Guttman Emotional Divorce Questionnaire

فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ^۱ (YSQ-SF): این پرسشنامه توسط یانگ (۱۹۹۴)، برای اندازه‌گیری طرحواره‌های ناسازگار اولیه طراحی شده است که نسخه فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره‌ها ۷۵ سؤالی، برای اندازه‌گیری ۱۵ طرحواره ناسازگار اولیه بر اساس فرم اصلی ساخته شد. این طرحواره‌ها عبارتند از: محرومیت هیجانی، طرد-رهاشدگی، بی‌اعتمادی-بدرفتاری، انزوای اجتماعی، نقص-شرم، شکست، وابستگی-بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، گرفتاری-در دام‌افتادگی، اطاعت، ایثار، بازداری هیجانی، معیارهای سرسختانه-عیب‌جویی، استحقاق و خویش‌نهادی-خودانضباطی ناکافی. این طرحواره‌ها در پنج حوزه مطابق با حوزه‌های تحولی اولیه (بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، دیگر جهت‌مندی و گوش‌بزرگی بیش از حد و بازداری) قرار می‌گیرند. شیوه نمره‌گذاری این پرسشنامه بر اساس طیف شش درجه‌ای لیکرت (کاملاً نادرست=۱ تا کاملاً درست=۶) است. نمره بالا در یک خرده مقیاس معین احتمالاً وجود یک طرحواره‌ی ناسازگار را در آن فرد نشان می‌دهد. نمره‌های بالا نشان‌دهنده روان‌سازهای سازنیافته اولیه بیشتر در فرد است (یانگ و همکاران، ۲۰۱۰). در پژوهش یانگ (۱۹۹۴)، پایایی این پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۶ و ضریب همبستگی بین فرم کوتاه و بلند این پرسشنامه ۰/۷۰ بدست آمده است. در مطالعه استانیسزک و پوپیل^۲ (۲۰۱۹) همبستگی بین دو نسخه کوتاه و بلند را ۰/۸۰ گزارش کردند که نشان‌دهنده روایی همگرایی پرسشنامه است. در پژوهش شهامت و همکاران (۱۳۸۹)، روایی پرسشنامه را به روش همبستگی با آزمون باورهای غیرمنطقی^۳ (IBT) ۰/۳۴ محاسبه شده است. در پژوهش پورحسین و همکاران (۱۴۰۲)، نیز پایایی این پرسشنامه بین خرده‌مقیاس‌ها با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ بین ۰/۸۲ تا ۰/۹۳ گزارش شده است. در پژوهش حاضر نیز مقادیر به دست آمده برای آلفای کرونباخ و پایایی مرکب به ترتیب برابر با ۰/۸۹ و ۰/۷۲ است که نشان دهنده پایایی مطلوب متغیرهای پژوهش است.

پرسشنامه سبک‌های ازدواج: برای جمع‌آوری اطلاعات سبک‌های ازدواج از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. این پرسشنامه شامل اطلاعات دموگرافیک (مدت زندگی مشترک، تحصیلات، منطقه محل سکونت) و سؤالاتی در ارتباط با نوع ازدواج (سنتی و مدرن) بود. ابتدا بر اساس مطالعه‌ی مقالات، کتب و متون علمی شاخص‌ها و ویژگی‌های خانواده سنتی و مدرن استخراج شد. این شاخص‌ها عبارت است از: شیوه‌های انتخاب همسر، توزیع قدرت در خانواده، ارزش‌های فردی-خانوادگی، روابط اقتصادی، مشارکت در تصمیم‌گیری، حاکمیت هنجارها، توزیع نقش‌های جنسیتی، نگرش نسبت به طلاق، نگرش نسبت به تعداد فرزندان و زمان فرزندآوری، سن ازدواج، انتخاب اوقات فراغت و نوع آن، میزان و نوع استفاده از فضای مجازی، اشتغال زنان و استقلال مالی، افزایش حقوق فرزندان، احترام به دیدگاه‌های مستقل و خصایل شخصی دیگری، گفتگوی باز و آزاد (رابطه ناب) بر اساس احترام، اصالت و همدلی، کاهش حمایت خویشاوندی، گسترش روابط پیش از ازدواج، افزایش جایگاه و قدرت زنان در مناسبات خانوادگی، کاهش اقتدار والدین، و...). سپس برای این شاخص‌ها، پرسشنامه‌ای با تعداد ۷۸ گویه تهیه شد. در این پرسشنامه حداقل نمره ۳۳ و حداکثر آن ۱۳۲ می‌باشد. نمره ۹۹ تا ۱۳۲ بیانگر تفکر مدرن و نمره ۳۳ تا ۹۹ بیانگر تفکر سنتی است. نمره‌گذاری بر اساس مقیاس ۴ گزینه‌ای لیکرت (کاملاً مخالف=۱ تا کاملاً موافق=۴) انجام می‌شود. گویه‌های ۳۲-۳۱-۲۲-۲۰-۱۷-۱۴-۱۲-۱۰-۸-۶-۳-۲ به صورت معکوس نمره‌گذاری می‌شوند. برای تایید روایی صوری و محتوایی پرسشنامه، برای ۷ متخصص در رشته‌های روانشناسی، جامعه‌شناسی و مشاوره ارسال گردید. پس از حذف گویه‌های مشابه یا نامناسب و اصلاح تعداد دیگری از گویه‌ها، از بین آنها ۳۳ گویه مورد تایید متخصصان به عنوان پرسشنامه نهایی انتخاب شد. سپس بر روی ۵۵ نفر (۲۵ مرد و ۳۰ زن) اجرا شد. ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۷ بدست آمد که مورد تایید اساتید قرار گرفت. با برگزاری کارگاه در سرامحله‌های مناطق مورد نظر، پرسشنامه به نمونه‌ها ارسال شد و توضیحات لازم در این زمینه، از نظر نحوه اجرا داده شد. اجرای پرسشنامه تقریباً دو ماه به طول انجامید. برای تفکیک و مقایسه سبک سنتی و مدرن میانگین و انحراف استاندارد نمونه ۳۰۰ نفری محاسبه شد. میانگین ۸۸/۰۱ و انحراف استاندارد ۸/۰۱ بدست آمد. سپس یک انحراف استاندارد پایین‌تر از یک سوم به عنوان سبک سنتی و یک انحراف معیار بیش از دو سوم به عنوان سبک مدرن انتخاب شدند. ضریب آلفای کرونباخ در اجرای مقدماتی ۰/۷۷ و در اجرای اصلی ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۰ بدست آمد.

1 young schema questionnaire-short from

2 Staniszek & Propiel

3 Irrational Belief Test

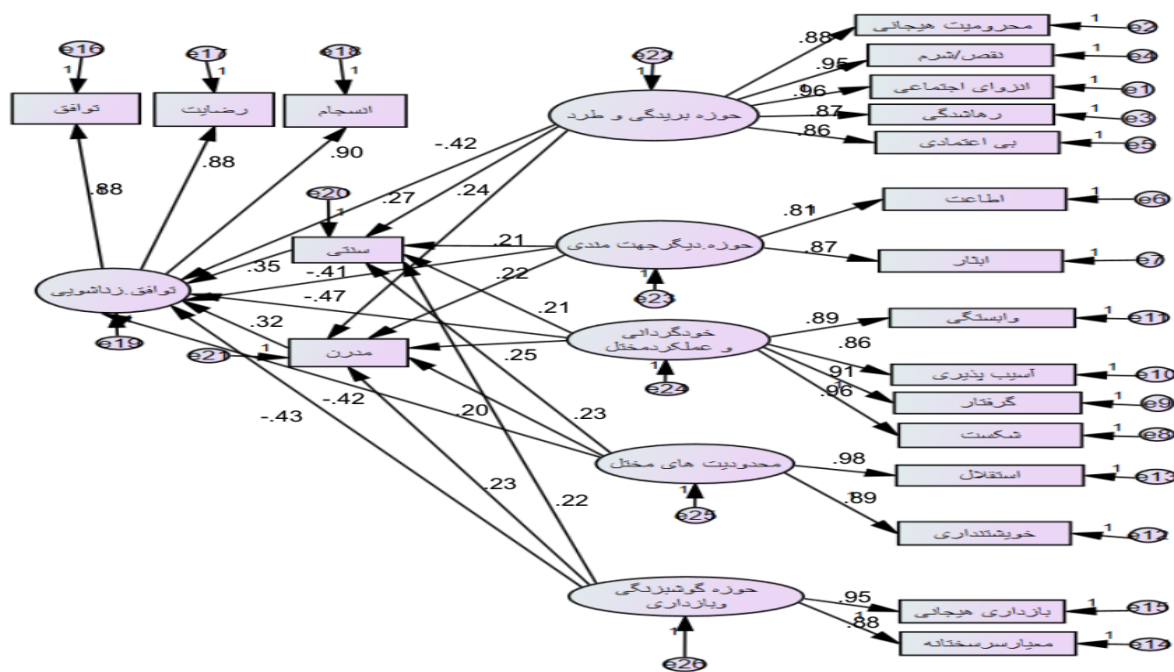
یافته‌ها

از افراد شرکت‌کننده در گروه نمونه پژوهش تعداد ۹۲ نفر (معادل ۳۰/۷ درصد)، ازدواج سنتی، تعداد ۱۱۸ نفر ازدواج آزاد یا مدرن (معادل ۳۹/۳ درصد) و ۹۰ نفر ازدواج ترکیبی (معادل ۳۰ درصد) داشته‌اند. میانگین سن شرکت‌کنندگان در پژوهش ۳۱/۶۶ و انحراف استاندارد ۱/۵۲ بود. همچنین میانگین مدت زمان زندگی مشترک افراد شرکت‌کننده در پژوهش ۶/۴۹ و انحراف استاندارد ۴/۶۴ بود. تعداد ۳۲ نفر (معادل ۱۰/۶۶ درصد) تحصیلات زیر دیپلم داشته‌اند، تعداد ۷۴ نفر (معادل ۲۴/۶۶ درصد) تحصیلات دیپلم داشته‌اند، ۵۴ نفر (معادل ۱۸ درصد) تحصیلات کاردانی، ۸۵ نفر (معادل ۲۸/۳۳ درصد) تحصیلات کارشناسی، ۳۸ نفر (معادل ۱۲/۶۶ درصد) تحصیلات کارشناسی ارشد و ۱۷ نفر (معادل ۵/۶۶ درصد) تحصیلات دکتری داشته‌اند.

جدول ۱. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش

-	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱. توافق زناشویی	۱							
۲. حوزه بریدگی و طرد	-۰/۳۲**	۱						
۳. حوزه خودگردانی و عملکرد مختل	-۰/۳۴**	۰/۲۳*	۱					
۴. حوزه محدودیت‌های مختل	-۰/۳۱**	۰/۴۳**	۰/۴۳*	۱				
۵. حوزه دیگر جهت مندی	-۰/۲۶**	۰/۳۴*	۰/۴۳*	۰/۳۱**	۱			
۶. حوزه گوش‌بزرگی و بازداري	-۰/۳۵**	۰/۳۱**	۰/۳۳*	۰/۳۴*	۰/۲۲	۱		
۷. سبک ازدواج سنتی	۰/۳۴**	-۰/۱۹*	-۰/۳۳*	-۰/۲۵	-۰/۳۱	-۰/۱۲	۱	
۸. سبک ازدواج مدرن	۰/۲۷**	-۰/۱۶*	-۰/۳۶**	-۰/۲۷	-۰/۲۲	-۰/۲۹	۰/۳۱	۱
میانگین	۴۵/۴۲	۹۰/۱۷	۵۱/۲۷	۵۲/۵۰	۳۲/۸۱	۳۳/۶۹	۸۸/۶۵	۶۷/۹۰
انحراف معیار	۷/۶۳	۳۱/۰۱	۲۱/۰۴	۱۶/۳۹	۱۱/۲۴	۱۲/۳۲	۲/۹۴	۳/۴۱
کجی	۰/۱۲	-۰/۲۲	-۰/۲۴	-۰/۲۲	-۰/۲۰	۰/۱۵	-۰/۴۰	-۰/۳۳
کشیدگی	-۰/۸۱	-۰/۵۹	-۰/۵۳	-۰/۶۲	-۰/۴۹	-۰/۵۷	-۰/۶۳	-۰/۵۷

نتایج ماتریس همبستگی نشان می‌دهد که بین حوزه‌های بریدگی و طرد (-۰/۳۲)، خودگردانی و عملکرد مختل (-۰/۳۴)، محدودیت‌های مختل (-۰/۳۱)، دیگرجهت‌مندی (-۰/۲۶) و گوش‌بزرگی و بازداري (-۰/۳۵) با توافق زناشویی رابطه منفی و معنادار و بین سبک‌های ازدواج سنتی (۰/۳۴) و مدرن (۰/۲۷) با توافق زناشویی رابطه مثبت و معنادار در سطح ۰/۰۱ وجود دارد. همچنین شاخص‌های میانگین و انحراف معیار جهت بررسی مفروضه نرمالیتی تک متغیری نشان دهنده پراکندگی مناسب داده و شاخص‌های کجی و کشیدگی که در بازه $\pm 1/96$ قرار دارند بنابراین شکل توزیع متغیرها در شرایط نرمالی قرار دارد. علاوه بر مقادیر گزارش شده در جدول ۱، مقادیر آماره تحمل برای متغیرها بیشتر از ۰/۴۰ و همچنین مقادیر آماره VIF همگی کمتر از ۱۰ بود، بنابراین میزان هم‌خطی میان متغیرهای پیش‌بین نگران‌کننده نبود. از طرفی مقدار به دست آمده برای آزمون دوربین واتسون برابر با ۱/۹۵ بود و بین مقدار مناسب ۱/۵ تا ۲/۵ قرار داشت. بنابراین می‌توان گفت که فرض استقلال مقادیر خطا از یکدیگر نیز رعایت شده است.



شکل ۱. مدل نهایی پژوهش

در شکل ۱ مدل ساختاری پژوهش به صورت بررسی پیش‌بینی توافق زناشویی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه با نقش میانجی سبک‌های ازدواج سنتی و مدرن در محیط نرم‌افزار AMOS به همراه ضرایب مسیر آن ارائه شده است. در این مدل متغیرهای حوزه بریدگی و طرد، دیگرجهت‌مندی، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت‌های مختل و حوزه گزینشگری و بازداری نقش متغیر برون‌زا (مستقل) را دارند و متغیر توافق زناشویی نقش متغیر درون‌زا (وابسته) را دارد. متغیرهای سبک‌های ازدواج سنتی و مدرن متغیرهای نیز در قالب متغیرهای مکنون تعریف شده‌اند. در جدول ۲ نتایج ضرایب اثرات مستقیم در الگوی ساختاری مورد مطالعه نشان داده شده است.

جدول ۲. نتایج ضرایب اثرات مستقیم در الگوی ساختاری مورد مطالعه

مسیر	B	SE	Beta	T	P
ضریب مسیر مستقیم حوزه بریدگی و طرد $\leftarrow$ توافق زناشویی	-۲/۲۲	۰/۰۹	-۰/۴۲	-۴/۱۳	۰/۰۰۱
ضریب مسیر مستقیم حوزه دیگرجهت‌مندی $\leftarrow$ توافق زناشویی	-۲/۳۱	۰/۰۹	-۰/۴۱	-۴/۱۲	۰/۰۰۱
ضریب مسیر مستقیم حوزه خودگردانی و عملکردمختل $\leftarrow$ توافق زناشویی	-۲/۶۵	۰/۰۷	-۰/۴۷	-۵/۲۵	۰/۰۰۱
ضریب مسیر مستقیم حوزه محدودیت‌های مختل $\leftarrow$ توافق زناشویی	-۲/۵۵	۰/۰۶	-۰/۴۲	-۴/۱۷	۰/۰۰۱
ضریب مسیر مستقیم حوزه گزینشگری و بازداری $\leftarrow$ توافق زناشویی	-۲/۴۵	۰/۰۳	-۰/۴۳	-۴/۱۸	۰/۰۰۱
ضریب مسیر مستقیم حوزه بریدگی و طرد $\leftarrow$ سبک ازدواج سنتی	۱/۱۸	۰/۰۴	۰/۲۷	۳/۹۸	۰/۰۱۹
ضریب مسیر مستقیم حوزه دیگرجهت‌مندی $\leftarrow$ سبک ازدواج سنتی	۱/۱۹	۰/۰۴	۰/۲۱	۳/۸۵	۰/۰۱۴
ضریب مسیر مستقیم حوزه خودگردانی و عملکردمختل $\leftarrow$ سبک ازدواج سنتی	۱/۱۷	۰/۰۳	۰/۲۱	۳/۸۶	۰/۰۰۱
ضریب مسیر مستقیم حوزه محدودیت‌های مختل $\leftarrow$ سبک ازدواج سنتی	۱/۲۱	۰/۰۵	۰/۲۳	۳/۴۴	۰/۰۰۱
ضریب مسیر مستقیم حوزه گزینشگری و بازداری $\leftarrow$ سبک ازدواج سنتی	۱/۱۸	۰/۰۴	۰/۲۲	۳/۴۲	۰/۰۰۳
ضریب مسیر مستقیم حوزه بریدگی و طرد $\leftarrow$ سبک ازدواج مدرن	۱/۲۱	۰/۰۴	۰/۲۴	۳/۸۱	۰/۰۱۸
ضریب مسیر مستقیم حوزه دیگرجهت‌مندی $\leftarrow$ سبک ازدواج مدرن	۱/۱۹	۰/۰۳	۰/۲۲	۳/۸۵	۰/۰۱۷

۰/۰۱۶	۳/۹۱	۰/۲۵	۰/۰۲	۱/۲۸	ضریب مسیر مستقیم حوزه خودگردانی و عملکرد مختل ← سبک ازدواج مدرن
۰/۰۱۹	۳/۷۸	۰/۲۶	۰/۰۱	۱/۰۶	ضریب مسیر مستقیم حوزه محدودیت‌های مختل ← سبک ازدواج مدرن
۰/۰۱۳	۳/۷۱	۰/۲۳	۰/۰۴	۱/۱۲	ضریب مسیر مستقیم حوزه گوش بزنگی و بازداری ← سبک ازدواج مدرن
۰/۰۰۱	۴/۱۲	۰/۳۵	۰/۰۵	۱/۱۴	ضریب مسیر سبک ازدواج سنتی ← توافق زناشویی
۰/۰۰۳	۴/۰۹	۰/۳۲	۰/۰۶	۱/۰۲	ضریب مسیر سبک ازدواج مدرن ← توافق زناشویی

جدول ۲ نشان می‌دهد اثر مستقیم حوزه‌های بریدگی و طرد ($\beta = -0/42, P < 0/05$)، خودگردانی و عملکرد مختل ($\beta = -0/47, P < 0/05$)، محدودیت‌های مختل ($\beta = -0/42, P < 0/05$)، دیگرجهت‌مندی ($\beta = -0/41, P < 0/05$) و گوش‌بزننگی و بازداری ($\beta = -0/43, P < 0/05$) بر توافق زناشویی منفی و معنادار است. همچنین اثر مستقیم حوزه‌های بریدگی و طرد ($\beta = 0/27, P < 0/05$)، خودگردانی و عملکرد مختل ($\beta = 0/21, P < 0/05$)، محدودیت‌های مختل ($\beta = 0/23, P < 0/05$)، دیگرجهت‌مندی ($\beta = 0/21, P < 0/05$) و گوش‌بزننگی و بازداری ($\beta = 0/22, P < 0/05$) بر سبک ازدواج سنتی مثبت و معنادار است. اثر مستقیم حوزه‌های بریدگی و طرد ($\beta = 0/24, P < 0/05$)، خودگردانی و عملکرد مختل ($\beta = 0/25, P < 0/05$)، محدودیت‌های مختل ($\beta = 0/26, P < 0/05$)، دیگرجهت‌مندی ($\beta = 0/22, P < 0/05$) و گوش‌بزننگی و بازداری ($\beta = 0/23, P < 0/05$) بر سبک ازدواج مدرن مثبت و معنادار است. همچنین اثر مستقیم سبک ازدواج سنتی ($P < 0/05$)، و مدرن ($\beta = 0/32, P < 0/05$) بر توافق زناشویی مثبت و معنادار است.

جدول ۳. نتایج حاصل از تحلیل میانجی به روش بوت استرپینگ

مسیر	B	Beta	P-value	Results
ضریب مسیر غیرمستقیم حوزه بریدگی و طرد ← سبک سنتی ← توافق زناشویی	۲/۲۳	۰/۲۷	۰/۰۱۱	میانجیگری سبک سنتی
ضریب مسیر غیرمستقیم حوزه دیگرجهت‌مندی ← سبک سنتی ← توافق زناشویی	۳/۲۷	۰/۳۶	۰/۰۱۲	میانجیگری سبک سنتی
ضریب مسیر غیرمستقیم حوزه خودگردانی و عملکرد مختل ← سبک سنتی ← توافق زناشویی	۲/۲۹	۰/۲۸	۰/۰۲۱	میانجیگری سبک سنتی
ضریب مسیر غیرمستقیم حوزه محدودیت‌های مختل ← سبک سنتی ← توافق زناشویی	۲/۳۵	۰/۳۱	۰/۰۱۳	میانجیگری سبک سنتی
ضریب مسیر غیرمستقیم حوزه گوش‌بزننگی و بازداری ← سبک سنتی ← توافق زناشویی	۳/۲۵	۰/۳۵	۰/۰۲۱	میانجیگری سبک سنتی
ضریب مسیر غیرمستقیم حوزه بریدگی و طرد ← سبک مدرن ← توافق زناشویی	۲/۲۹	۰/۲۵	۰/۰۱۴	میانجیگری سبک مدرن
ضریب مسیر غیرمستقیم حوزه دیگرجهت‌مندی ← سبک مدرن ← توافق زناشویی	۲/۲۷	۰/۲۸	۰/۰۱۵	میانجیگری سبک مدرن
ضریب مسیر غیرمستقیم حوزه خودگردانی و عملکرد مختل ← سبک مدرن ← توافق زناشویی	۳/۲۶	۰/۳۶	۰/۰۱۳	میانجیگری سبک مدرن
ضریب مسیر غیرمستقیم حوزه محدودیت‌های مختل ← سبک مدرن ← توافق زناشویی	۲/۳۷	۰/۳۲	۰/۰۱۸	میانجیگری سبک مدرن
ضریب مسیر غیرمستقیم حوزه گوش‌بزننگی و بازداری ← سبک مدرن ← توافق زناشویی	۲/۳۱	۰/۲۹	۰/۰۱۷	میانجیگری سبک مدرن

با توجه به نتایج گزارش شده در جدول ۳ مسیر غیرمستقیم حوزه بریدگی و طرد ← سبک سنتی ← توافق زناشویی با اندازه اثر استاندارد شده ۰/۲۷ ($P = 0/01$)، ضریب مسیر غیرمستقیم حوزه دیگرجهت‌مندی ← سبک سنتی ← توافق زناشویی با اندازه اثر استاندارد شده ۰/۳۶ ($P = 0/01$)، ضریب مسیر غیرمستقیم حوزه خودگردانی و عملکرد مختل ← سبک سنتی ← توافق زناشویی با اندازه اثر استاندارد شده ۰/۲۸ ($P = 0/02$)، ضریب مسیر غیرمستقیم حوزه محدودیت‌های مختل ← سبک سنتی ← توافق زناشویی با اندازه اثر استاندارد شده

۰/۳۱ ($P=0/01$)، ضریب مسیر غیرمستقیم حوزه گوش بزنگی و بازداری $\leftarrow$ سبک سنتی $\leftarrow$ توافق زناشویی با اندازه اثر استاندارد شده ۰/۳۵ ($P=0/02$)، ضریب مسیر غیرمستقیم حوزه بریدگی و طرد $\leftarrow$ سبک مدرن $\leftarrow$ توافق زناشویی با اندازه اثر استاندارد شده ۰/۲۵ ($P=0/01$)، ضریب مسیر غیرمستقیم حوزه دیگر جهت مندی $\leftarrow$ سبک مدرن $\leftarrow$ توافق زناشویی با اندازه اثر استاندارد شده ۰/۲۸ ($P=0/01$)، ضریب مسیر غیرمستقیم حوزه خودگردانی و عملکرد مختل $\leftarrow$ سبک مدرن $\leftarrow$ توافق زناشویی با اندازه اثر استاندارد شده ۰/۳۶ ($P=0/01$)، ضریب مسیر غیرمستقیم حوزه محدودیت های مختل $\leftarrow$ سبک مدرن $\leftarrow$ توافق زناشویی با اندازه اثر استاندارد شده ۰/۳۲ ($P=0/01$) و ضریب مسیر غیرمستقیم حوزه گوش بزنگی و بازداری $\leftarrow$ سبک مدرن $\leftarrow$ توافق زناشویی با اندازه اثر استاندارد شده ۰/۲۹ ($P=0/01$) معناداری را نشان می دهند. بنابراین می توان چنین نتیجه گرفت که سبک های ازدواج سنتی و مدرن تأثیر حوزه های طرحواره های ناسازگار اولیه بر توافق زناشویی را میانجی گری می کنند.

در جدول ۴ شاخص های برازش مدل اصلاح شده پژوهش ارائه شده است.

جدول ۴. شاخص های برازش مدل ساختاری

شاخص برازش	X ² /df	RMSEA	NFI	IFI	CFI	GFI
ملاک ارزش	<۵	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰	>۰/۹۰
آماره	۱/۹۵	۰/۰۴۷	۰/۹۱	۰/۹۲	۰/۹۷	۰/۹۲

برای برازندگی مدل هرگاه مقدار شاخص کای دو تقسیم بر درجه آزادی کوچک تر از ۵ باشد، برازندگی مدل بهتر است. مقدار به دست آمده در پژوهش حاضر ۱/۹۵ بود که حاکی از برازش خوب مدل بود. همچنین به طور کلی هر چه مقدار شاخص های GFI، IFI، NFI و CFI به یک نزدیک تر باشد حاکی از برازش مطلوب مدل است. با توجه به اینکه مقادیر به دست آمده برای چهار شاخص ذکر شده نزدیک یا برابر با ۰/۹۰ بوده، بنابراین بر اساس مقادیر این شاخص ها، مدل پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار است. برای شاخص RMSEA نیز مقدار ۰/۰۸ بیانگر برازش مطلوب است که برای مدل پژوهش حاضر برابر ۰/۰۴۷ بود.

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر مدلی توافقی زناشویی بر اساس طرحواره های ناسازگار اولیه با میانجی گری سبک های ازدواج در زنان بود. نتایج نشان داد بین طرحواره های ناسازگار اولیه و توافق زناشویی رابطه معنادار وجود دارد. این یافته با نتایج شاکری و جاجرمی (۱۳۹۹)، طاهری فر و کارآموز (۱۳۹۸) و گومس و سا (۲۰۲۱) همسو بود. در تبیین این یافته ها می توان بیان کرد که، طرحواره های ناسازگار اولیه، الگوهای هیجانی و شناختی خود آسیب رسانی هستند که در ابتدای رشد و تحول در ذهن شکل می گیرند و در مسیر زندگی تداوم می یابند. لذا طرحواره های ناسازگار اولیه در بزرگسالی و در روابط زناشویی نمود پیدا کرده و تأثیر زیان باری بر آن می گذارند. همچنین از آنجا که طرحواره های ناسازگار اولیه ناکارآمد هستند، نارضایتی در روابط زناشویی را در پی دارند و می توانند توافق زناشویی زوجین را پایین آورد. همچنین می توان گفت طرحواره های ناکارآمد تأثیر عاطفی متقابل افراد را در روابط صمیمانه تحت تأثیر قرار می دهد این باورها به افراد قابلیت پیش بینی و قطعیت می دهند. به گونه ای که می توان بیان کرد افرادی که دارای طرحواره هایی در حوزه طرد و رها شدگی هستند اغلب نیازهای امنیت در آنها در کودکی ارضا نشده است از این رو جهان را به گونه ای متخاصم دریافت می کنند لذا در روابط زناشویی خود نیز آنگونه که باید محبت و همدلی شریک زندگی خود را احساس نمی کنند و پیوسته در باور پذیرفته شده خود غرق هستند (اکن، ۲۰۱۷). همچنین نتایج نشان داده است بین طرحواره های ناسازگار اولیه، سبک های ازدواج و توافق زناشویی رابطه معنادار وجود داشت که نتایج پژوهش حاضر با یافته های پژوهشی حیرت و همکاران (۱۳۹۳)، آکول (۲۰۱۷) و اکن (۲۰۱۷) همسو بود که بیان کردند بین سبک های ازدواج و شیوه های همسرگزینی و مؤلفه های روانشناختی با رضایت زناشویی رابطه وجود دارد. از این رو اغلب دچار مشکلاتی در رضایت و انسجام با همسر خود می شوند. از سویی دیگر افرادی که در انتخاب همسر خود آزادانه تصمیم می گیرند و خانواده ها دخالتی ندارند گاهی اوقات بر پایه احساسات ارضا نشده اقدام به انتخاب همسری می کنند که برای آنها مناسب نیست به عبارتی این افراد تحت تأثیر هیجانات ابتدایی رابطه با طرف مقابل خود قرار می گیرند و با توجه به اینکه طرحواره طرد و رها شدگی دارند به هر کاری اقدام می کنند تا طرف مقابل را به دست بیاورند ولی در صورتی که پس از مدتی فرد با باورهای وی در تضاد باشد دچار نارضایتی در زندگی زناشویی می شوند و

تنش‌ها بین زوجین در سطح بالایی قرار می‌گیرد که انسجام، رضایت و توافق در رابطه زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. همچنین افرادی که در خودگردانی و عملکرد دچار نقص هستند به دلیل اینکه قادر نیستند عملکرد خود را از خانواده مستقل کنند پیوسته تحت تأثیر تصمیمات خانواده خود می‌باشند به گونه‌ای که حتی انتخاب همسر به عهده خانواده است، این افراد در شکل دادن یک هویت مستقل دچار نقص هستند لذا دیگران برای آنها تصمیم می‌گیرند. این افراد به دلیل احساس بی‌کفایتی قادر نیستند بدون کمک دیگران از عهده انجام کارهای خود برآیند از این رو به صورت کاملاً سنتی انتخاب همسر به عهده دیگران است. از این رو در صورتی که وارد زندگی مشترک شوند به دلیل نقص‌های عمده درونی مانند احساس بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری روانشناختی، درگیر شدن هیجانی افراطی و در نتیجه شکست‌های مکرر که با همسر خود دچار چالشی می‌شوند نمی‌توانند موقعیت را بررسی و حل و فصل کنند لذا اغلب احساس رضایت و توافق کمتری در روابط زناشویی خود دارند. از سویی دیگر در صورتی که افراد دچار نقص در حد و مرزهای درونی و بی‌مسئولیتی در قبال دیگران باشند دارای طرحواره محق بودن و خویشتن‌داری ناکافی هستند که حوزه محدودیت‌های مختل را شامل می‌شود. این افراد با این ویژگی‌ها نمی‌توانند به صورت طولانی‌مدت هدفی را انتخاب کنند و در قبال آن مسئولیت‌مدار رفتار کنند. همچنین این افراد سهل‌انگار هستند و حتی در گزینش همسر نیز به فرهنگ، قوانین خانواده و جامعه پایبند نیستند از این رو همسر خود را بر پایه هیجانات زودگذر انتخاب می‌کنند و در زندگی خود نیز نمی‌توانند مسئولیت‌پذیر باشند، در نتیجه دچار مشکلاتی در روابط زناشویی می‌شوند. از سویی دیگر افرادی که دارای این ویژگی‌ها هستند حتی اگر به صورت کاملاً سنتی همسرشان را خانواده انتخاب کند تعهدی در قبال این ازدواج و انتخاب احساس نمی‌کنند (گومس و سا، ۲۰۲۱). عدم مسئولیت‌پذیری همسر موجب می‌شود که به تدریج نارضایتی زناشویی ایجاد و توافق زناشویی با اختلال روبرو شود. با توجه به اینکه افراد با طرحواره دیگرجهت‌مندی توسط دیگران هدایت می‌شوند برای انتخاب کردن شریک زندگی خود می‌توانند تحت تأثیر تمایلات درونی یا خانواده و دیگران به صورت سنتی قرار گیرند، هدف آنها تنها ارضای نیازهای دیگران است و خود اولویت نیستند لذا در رابطه با همسر نیز دچار چالش می‌شوند، زیرا با اطاعت و ایثار می‌خواهند تایید دیگران را به دست آورند. همچنین افرادی که دارای طرحواره‌های بدبینی، بازدارنده هیجانی، عیب‌جویی افراطی و تنبیه هستند، گوش‌بزدی بالایی را تجربه می‌کنند. این افراد تأکید افراطی بر سرکوبی احساس‌های خودانگیز، تکان‌ها و پیروی از قوانین غیرقابل انعطاف دارند لذا؛ با این ویژگی‌ها اغلب تصمیم ازدواج خود را به دیگران واگذار می‌کنند و یا در صورت غلبه احساسات درونی تصمیم‌گیرنده غرایز و احساسات هستند، از این رو انتظار می‌رود که این افراد با طرحواره‌های آسیب‌زای مطرح شده نتوانند در زندگی آتی خود نیز با همسر رابطه مؤثری داشته باشند و زندگی زناشویی آنها پیوسته تحت تأثیر طرحواره‌های ناسازگار اولیه قرار می‌گیرد. با توجه به آنچه مطرح شده است، سبک‌های ازدواج از جمله عواملی است که بر رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و توافق زناشویی اثربخش است و توافق زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به گونه‌ای که نوع انتخاب همسر به صورت سنتی و مدرن می‌تواند در توافق زناشویی بین زوجین اثربخش باشد.

به طور کلی یافته‌های پژوهش نشان داد که بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و سبک‌های ازدواج با توافق زناشویی رابطه وجود دارد و سبک‌های ازدواج سنتی و مدرن نیز می‌توانند به عنوان متغیرهای میانجی در رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و توافق زناشویی ایفای نقش کنند. همچنین مدل توافق زناشویی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه با میانجیگری سبک‌های ازدواج از برازش مطلوبی برخوردار بود. پژوهش حاضر دارای برخی محدودیت‌ها است که باید هنگام تفسیر و تعمیم‌دهی به گروه‌های دیگر در نظر داشت. با توجه به محدود بودن نمونه پژوهش به زنان متأهل مناطق ۲ و ۷ و ۱۱ شهر تهران در سال ۱۴۰۱ و تعداد محدود ۳۰۰ نفر که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند و امکان گزینش تصادفی وجود نداشت لذا تعمیم آن به سایر جوامع باید با احتیاط صورت گیرد. در پژوهش حاضر داده‌ها با استفاده از پرسشنامه خودگزارشی جمع‌آوری شدند و امکان کنترل سایر عوامل مانند تحصیلات، درآمد خانواده و سابقه مشکلات روانشناختی در سایر اعضای خانواده وجود نداشت. در مجموع، با توجه به یافته‌های به دست آمده و مرور پژوهش‌های گذشته لازم است که این پژوهش در میان افراد متقاضی طلاق و مردان نیز صورت گیرد تا بتوان عوامل مرتبط با توافق زناشویی در گروه‌های آسیب‌پذیر را مورد شناسایی قرار داد. همچنین این پژوهش بینش عمیقی را در مورد رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه، سبک‌های ازدواج و توافق زناشویی در زنان ایجاد نموده و این مساله می‌تواند چشم‌انداز روشنی را برای روانشناسان، مشاوران و به طور کلی برای افرادی که در حوزه کاهش آسیب‌های مرتبط با خانواده مشغول به فعالیت هستند، ایجاد نماید.

تعارض منافع: مشارکت نویسندگان این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول است که توسط معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد قم به تصویب رسیده و با هزینه شخصی انجام شده است. در تهیه این مقاله همه نویسندگان در طراحی، مفهوم سازی، گردآوری داده ها، روش شناسی، تحلیل آماری داده ها و نهایی سازی آن نقش یکسانی داشته اند.

منابع

- پورحسین، ر؛ غلامعلی لواسانی، م و پیرمحمدی، ف. (۱۴۰۲). نقش واسطه ای مقایسه اجتماعی در رابطه طرحواره های ناسازگار اولیه با نگرش های مربوط به تصویر بدنی دانش آموزان دختر مبتلا به چاقی. *رویش روان شناسی*، ۱۲ (۸)، ۱-۱۲. <http://frooyesh.ir/article-1-4188-fa.html>
- جواهری محمدی، م؛ کلانتری کوشه، س.م و و فرحبخش، ک. (۱۳۹۴). مقایسه ی رضایت زناشویی در زوجین. *مشاوره و روان درمانی خانواده*، ۵ (۶)، ۴۱-۴۹. <https://www.sid.ir/paper/512476/fa>
- حیرت، ع؛ فاتحی زاده، م؛ احمدی، س؛ اعتمادی، ع و بهرامی، ف. (۱۳۹۳). نقش ابعاد سبک زندگی زوجی در پیش بینی سازگاری زناشویی. *زن و جامعه*، ۵ (۲)، ۱۴۵-۱۵۸. <https://www.sid.ir/paper/169183/fa>
- سیار، ث ر و غنچه اقلیما، م. (۱۳۹۱). مقایسه کارکرد خانواده در ازدواج های سنتی و مدرن در زنان متأهل شهر تهران. *فصلنامه رفاه اجتماعی*، ۱۲ (۴۷)، ۲۸۳-۲۹۵. <http://refahj.uswr.ac.ir/article-1-1133-fa.html>
- شاکری، ر و جاجرمی، م. (۱۳۹۹). *رابطه طرحواره های ناسازگار اولیه و جهت گیری مذهبی با سازگاری زناشویی*، اولین همایش ملی آسیب شناسی روانی، اردیبهل. ۶۱-۶۴. <https://civilica.com/doc/1151532/>
- ضراغام حاجبی، م؛ کمالیان، ت و ارجمند، س. (۱۳۹۶). مقایسه رضایت زناشویی در ازدواج های سنتی و مدرن بین دانشجویان متأهل شهر تهران. *روانشناسی، علوم اجتماعی و علم تربیتی*، ۱ (۲)، ۸۴-۹۴. <https://doi.org/10.22038/jfmh.2017.8749>
- طاهری فر، ز و کارآموز، م. (۱۳۹۸). *طرحواره های ناسازگار اولیه و سازگاری زناشویی در قومیت های مختلف ایرانی*، هفتمین کنگره انجمن روانشناسی ایران، تهران. <https://civilica.com/doc/982149/>
- علمدار، م. (۱۳۸۹). *الفبای زندگی مشترک*. تهران: نشر حسام. <https://www.gisoom.com/book/11099269/%DA%A9%D8%AA%D8%A7%D8>
- یوسفی، ن. (۱۳۹۰). بررسی شاخص های روان سنجی مقیاس کیفیت زناشویی، *فرم تجدید نظر شده (RDAS)*. *پژوهش های روان شناسی بالینی و مشاوره*، ۱ (۲)، ۱۸۳-۲۰۰. <https://www.sid.ir/paper/204948/fa>
- Akkol, S. (2017). *The Effects of early maladaptive schemas on partners' marital satisfaction: the mediating roles of schema coping styles and perceived partner responsiveness* (Master's thesis, Middle East Technical University) . <https://hdl.handle.net/11511/26283>.
- Bach, B. , Lockwood, G. , & Young, J. E. (2018). A new look at the schema therapy model: organization and role of early maladaptive schemas. *Cognitive behaviour therapy*, 47(4), 328-349. <https://doi.org/10.1080/16506073.2017.1410566>.
- Bishop, A., Younan, R., Low, J., & Pilkington, P. D. (2022). Early maladaptive schemas and depression in adulthood: A systematic review and meta-analysis. *Clinical Psychology & Psychotherapy*, 29(1), 111-130. <https://doi.org/10.1002/cpp.2630>.
- Busby, D. M. , Crane, D. R. , Larson, J. H. , & Christensen, C. (1995). A revision of the Dyadic Adjustment Scale for use with distressed and nondistressed couples: Construct Hierarchy and multidimensional scale. *Journal of Marital and family therapy*, 21, 289-308. <https://www.proquest.com/openview/6f5952c5da9f925cd1f80f0ac0161082/1?pq-origsite=gscholar&cbl=18750&diss=y>.
- Eken, E. (2017). The role of early maladaptive schemas on romantic relationships: a review study. *People: International Journal of Social Sciences*, 3(3), 108. <https://dx.doi.org/10.20319/pijss.2017.32.108123>.
- Farvardin, M. A. , Colazzo, D. , Belhajjame, K. , & Sartiani, C. (2019, June). Streaming saturation for large RDF graphs with dynamic schema information. In *Proceedings of the 17th ACM SIGPLAN International Symposium on Database Programming Languages* (pp. 42-52) . <https://doi.org/10.1145/3315507.3330201>.
- Gomes, L. E. S. , & Sá, L. G. C. D. (2021). Which are the relationships between early maladaptive schemas, social skills and marital satisfaction?. *Pensando familias*, 25(2), 65-80. http://pepsic.bvsalud.org/scielo.php?pid=S1679-494X2021000200006&script=sci_arttext&tlng=en.
- Gopal, C. R. , & Valarmathi, D. (2020). Marital Compatibility and Their Relationship To Personality Among Arranged Marriage Couples And Love Marriage Couples—A Pilot Study. *Annals of Tropical Medicine and Public Health*, 23, 231-503. <http://dx.doi.org/10.36295/ASRO.2020.231503>.
- Gündoğmuş, A. G., Doğan Bulut, S., Koçyiğit, Y., Şafak, Y., & Welkin Haksar, L. (2023). The relationships between intimate partner violence and attachment, personality features, and early maladaptive schemas. *TURKISH JOURNAL CLINICAL PSYCHIATRY*, 26(2), 91-103. <http://dx.doi.org/10.5505/kpd.2023.93708>.
- Hollist, C. S., & Miller, R. B. (2005). Perceptions of attachment style and marital quality in midlife marriage. *Family Relations*, 54(1), 46-57. <https://doi.org/10.1111/j.0197-6664.2005.00005.x>

Modeling marital agreement based on primary incompatible schemas with the mediation of marriage styles Women

- Janovsky, T., Rock, A. J., Thorsteinsson, E. B., Clark, G. I., Polad, V., & Cosh, S. (2023). Assessing the relationship between early maladaptive schemas and interpersonal problems using interpersonal scenarios depicting rejection. *Plos one*, 18(10), e0288543. <https://doi.org/10.1371/journal.pone.0288543>.
- Jejeebhoy, S. J. , & Raushan, M. R. (2022). Marriage without meaningful consent and compromised agency in married life: Evidence from married girls in Jharkhand, India. *Journal of Adolescent Health*, 70(3), S78-S85 . <https://doi.org/10.1016/j.jadohealth.2021.07.005>.
- Körük, S., & Özabacı, N. (2023). How Do Early Maladaptive Schemas and Family Functions Predict Dyadic Marital Adjustment? A Test on Turkish Married Individuals. *Journal of Sex & Marital Therapy*, 1-11. <https://doi.org/10.1080/0092623X.2023.2195857>.
- Phillips, J. A. , & Sweeney, M. M. (2005). Premarital cohabitation and marital disruption among White, Black, and Mexican American women. *Journal of Marriage and Family*, 67(2), 296-314 . <https://doi.org/10.1111/j.0022-2445.2005.00117.x>.
- Saggino, A. , Martino, M. , Balsamo, M. , Carlucci, L. , Ebisch, S. , Innamorati, M. ,... & Tommasi, M. (2016). Compatibility quotient, and its relationship with marital satisfaction and personality traits in Italian married couples. *Sexual and Relationship Therapy*, 31(1), 83-94 . <https://doi.org/10.1080/14681994.2015.1070952>.
- Staniaszek, K., & Popiel, A. (2019). Development and validation of the Polish experimental short version of the Young Schema Questionnaire (YSQ -ES -PL) for the assessment of early maladaptive schemas. *Roczniki Psychologiczne*, 20(2), 401 -427. <https://www.ceeol.com/search/article-detail?id=618307>
- Young, I. E. (1999). *Cognitive therapy for personality disorders: A schema focused approach*. (Rev. ed). Sarasota, FL. Practitioners Resources Exchang. *General for Education and Culture*, 1-181 .<https://psycnet.apa.org/record/1999-02395-000>.
- Young, S. , & Myanthy Amarasinghe, J. (2010). Practitioner Review: Non-pharmacological treatments for ADHD: A lifespan approach. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*, 51(2), 116-133. <https://doi.org/10.1111/j.1469-7610.2009.02191.x>.